

ستون آزاد

سرقت مجاز

یاد اون وقت‌ها به خیر، هر روز صبح مادر بزرگم دستی به سرم می‌کشید و می‌گفت: نه‌نه جون پاشو لنگه ظهره. من هم با کمی این ورو واون ورو شدن بالاخره پا می‌شدم و اون وقت مادر بزرگم به تومن می‌داشت کف دستم و به لیست بلندبالا برام ردیف می‌کرد. با همون یه تومن می‌رفتم سر کوچه، با دو سه کیلو سیب‌زمینی و پیاز و گوجه، نیم کیلو گوشت، یه سیر پنیر و شش تا نون برمی‌گشتم خونه. یادش به خیر، ولی حالا دیگه نمی‌شه، چون توی همه مغازه‌ها دوربین کار گذاشتن. خلاصه ما همین جوری بزرگ شدیم، مدرسه رفتیم، بعدش هم دانشگاه و بالاخره سری تو سرها پیدا کردیم و شدیم هیأت علمی. ولی می‌دونید که آدمیزاده، ترک عادت مرض میاره، گرچه خود عادت هم مرضه. از شما چه پنهون از دوربین‌ها پنهون باشه، قسمت اول حرفامو از یک جایی توی اینترنت کیش رفتم، آخه برا چیزی که می‌خوام بگم لازمه، گفتم که ترک عادت مرضه. توی این دوره زمونه که ماهواره، اینترنت و دوربین‌های مخفی آدمو می‌پاد، زندگی خیلی سخت شده. دیگه داشتیم از زندگی سیر می‌شدیم که بالاخره راه مدرنشو پیدا کردیم، مقصودم دکون‌های مدرنه بی‌دوربینه. گرچه توی این دکون‌ها جنسی وجود نداره ولی راسه کار ماس. باس جنستو از بیرون تهیه کنی یا از جایی کیش بری، یه پولی هم بذاری روش، بدی یکی از این دکونا. بعد از مدتی یه مقاله شسته رفته تو یه مجله که شاید ISI باشه برات چاپ می‌کنه. حتی اگر نتونی جنسو جور کنی خودشون برات جور می‌کنن، ولی نرخش بیشتره. اون زمان که بچه بودیم جنسمونو با ترس و لرز جور می‌کردیم، ولی حالا چقدر راحت جور می‌شه، آخه کلی زحمت کشیدیم، درس خونديم، سواي اون، باهات همکاري هم می‌کنن. بگذریم، دکوندار پولشو می‌گیره می‌ره رد کارش، ما هم به یه نون و نوایی می‌رسیم. پولی که دادیم از پژوهانه مون ورو می‌داریم، حق‌التألیف مقاله رو هم از دانشگاه می‌گیریم، امتیاز مقاله هم که ای ول، تازه امتیازش برای پژوهانه سال بعد هم به حساب میاد و ممکنه جایزه‌ای هم بابتش بگیریم. دانشگاه هم که رنگینکش می‌ره بالا و می‌تونه از دولت بودجه بیشتری بگیره، دولت هم اساساً هدفش همینیه که پُر تعداد مقاله‌های چاپ شده در دوره خودشو بده و آمارشو بیره بالا. می‌بینید که این طور همه سعادت‌مند می‌شن، قدیمما هم همین طور بود، من و مادر بزرگ هر دو سود می‌بردیم. اون زمان با این که کوچیک بودیم ولی می‌دونسیم کی ضرر می‌کنه، اما حالا با این که بزرگ شدیم نمی‌دونیم کی ضرر می‌کنه. اجالتاً بی‌خیال، بذارین به درجه‌آستادی که رسیدیم، در مورد این یکی هم فکری می‌کنیم، فعلاً عزت زیاد.

فریبرز آذرپناه

دانشگاه شهید چمران اهواز



محسن افشاریان

متولد ۱۳۶۰، کارشناسی رشته ریاضی محض سال ۱۳۸۲ از دانشگاه تربیت معلم تهران، کارشناسی ارشد رشته ریاضی کاربردی سال ۱۳۸۵ از دانشگاه علم و صنعت ایران، دکتری ریاضی کاربردی سال ۱۳۸۹ از دانشگاه علم و صنعت ایران.
عنوان رساله: «محاسبه شاخص‌های رشد بهره‌وری بر پایه تکنولوژی‌های توسعه یافته در تحلیل پوششی داده‌ها».
استاد راهنما: محمدرضا علیرضائی.



پرستو ریحانی اردبیلی

متولد ۱۳۵۸، کارشناسی رشته ریاضی سال ۱۳۸۲ از دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، کارشناسی ارشد رشته ریاضی کاربردی سال ۱۳۸۴ از دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، دکتری ریاضی کاربردی سال ۱۳۸۹ از دانشگاه علم و صنعت ایران.
عنوان رساله: «حل تحلیلی و عددی برخی مسائل نفوذ».
استاد راهنما: عبدالله شیدفر.



کاظم نوری هفت چشمه

متولد ۱۳۵۹، کارشناسی رشته ریاضی کاربردی سال ۱۳۸۲ از دانشگاه علم و صنعت ایران، کارشناسی ارشد رشته ریاضی کاربردی سال ۱۳۸۵ از دانشگاه علم و صنعت ایران، دکتری ریاضی کاربردی سال ۱۳۸۹ از دانشگاه علم و صنعت ایران.
عنوان رساله: «کاربرد قضیه نقطه ثابت در معادلات انتگرال غیرخطی و بررسی جواب برخی از مدل‌های کاربردی آن».
استاد راهنما: خسرو مالک‌نژاد.